

## چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو

دکتر عادل ساریخانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

احمد رضا صادقی

دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم و استاد دانشگاه

### چکیده:

فعالیت گسترده و نظام‌مند شبکه‌های جرایم سازمان‌یافته، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در جوامع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند به گونه‌ای که نه تنها امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در معرض خطر قرار داده است؛ بلکه به‌عنوان تهدید قرن شناخته شده و بر همین پایه سده بیست و یکم بعنوان «سده جرم سازمان‌یافته» نامگذاری شده است.<sup>۱</sup>

منطقه جغرافیایی کشورهای موسوم به اکو در آسیا با توجه به استراتژیک بودن آن یکی از مستعدترین مناطقی محسوب می‌گردد که در قلمرو آن بزرگ‌ترین و بیش‌ترین جرایم سازمان‌یافته آسیا در حال تحقق بوده است. با توجه به حجم بالا، تنوع و گستردگی جرایم سازمان‌یافته در این منطقه به جرات می‌توان این منطقه را «منطقه استراتژیک جرایم سازمان‌یافته» در آسیا نامید.

از سوی دیگر پاسخ و سیاست جنایی که در قبال این جرایم از سوی کشورهای این منطقه اتخاذ شده است کافی و مناسب نمی‌باشد. به هر حال ما با سه نوع پاسخ در این خصوص مواجه هستیم، سیاست جنایی ملی، منطقه‌ای و جهانی، بررسی قالب سازگار برای شکل‌گیری سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته این منطقه، موضوع بررسی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلید واژه: سیاست جنایی منطقه‌ای، اکو و جرایم سازمان‌یافته

۱. شمس، محمد ابراهیم، جرائم سازمان‌یافته، (فقه و حقوق، سال اول، تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۲۶

## طرح مساله

امروزه شبکه‌های قدرتمند سازمان‌های جنایی فراملی با گستره فعالیت‌های هماهنگ خود در قالب جرایم سازمان‌یافته، در همه جای دنیا با تاثیرات بسیار زیاد در عرصه‌های مختلف یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در جوامع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند به گونه‌ای که نه تنها امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در معرض خطر قرار داده است؛ بلکه به‌عنوان تهدید قرن شناخته شده، و بر همین پایه، سده بیست و یکم بعنوان "سده جرم سازمان‌یافته" نام‌گذاری شده است.

منطقه جغرافیایی کشورهای موسوم به اکو در آسیا با توجه به استراتژیک بودن آن، یکی از مستعدترین مناطقی محسوب می‌گردد که در قلمرو آن بزرگ‌ترین و بیش‌ترین جرایم سازمان‌یافته آسیا در حال تحقق بوده است. به‌طور نمونه افغانستان کانون بیشترین تولید مواد مخدر به خصوص تریاک مصرفی دنیا به خصوص اروپا محسوب می‌گردد به طوری که این مواد از دو طریق (افغانستان - ایران - ترکیه) و (افغانستان - پاکستان - ایران - ترکیه) وارد بازارهای مصرف اروپا می‌گردد. به‌همین جهت است که سه کشور افغانستان، ایران و ترکیه موسوم به هلال طلایی مواد مخدر گردیده‌اند.<sup>۲</sup> البته مسیر کشورهای آسیای میانه نیز یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت مواد مخدر محسوب می‌گردد. از طرف دیگر کشورهای دیگر عضو اکو یعنی کشورهای آسیای میانه به همراه پاکستان و افغانستان سال‌ها است که گرفتار پدیده شوم تروریسم هستند که نه تنها محدود به این کشورها می‌باشد بلکه هر از گاهی آتش آن کشورهای منطقه را نیز می‌سوزاند. پدیده قاچاق با انواع مظاهر و اشکال آن، همانند قاچاق مهاجرین، قاچاق انسان، قاچاق اعضای بدن، قاچاق ارز، قاچاق آثار تاریخی و فرهنگی قاچاق کالای صحت محور، قاچاق اسلحه و غیره، نیز منطقه کشورهای موسوم به اکو را سال‌ها است که گرفتار خود نموده است. فساد اداری و تطهیر عواید ناشی از اعمال مجرمانه نیز در سطح گسترده در بین کشورهای این منطقه در حال جریان می‌باشد. با توجه به حجم بالا و گستردگی جرایم سازمان‌یافته در این منطقه، به جرأت می‌توان این منطقه را "منطقه استراتژیک جرایم سازمان‌یافته" در آسیا نامید.

آنچه ویژگی برجسته جرایم فراملی را تشکیل می‌دهد این است که در اغلب موارد، مواد اولیه آن (مانند مواد مخدر و اشخاص) در کشورهای فقیر و در حال توسعه تامین می‌شود و محل مصرف (مواد مخدر) یا ارتکاب بعضی جرایم (بهره‌کشی اقتصادی، جنسی و اجتماعی) کشورهای

۲. رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر، (انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶)، ص ۸۲

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۴۵

ثروتمند و صنعتی جهان می‌باشد. ویژگی دیگر جرایم جهانی شده، در واقع سازمان‌یافتگی و بیش از پیش چند ملیتی شدن مرتکبان آنهاست. چنانکه نقش و سهم سازمان‌های جنایی پراکنده در کشورهای مختلف در جهانی شدن این جرایم انکار ناپذیر است.

طبیعتاً، نوع، نرخ و فراوانی جرایم سازمان‌یافته و هم‌چنین نوع و میزان پاسخ کشورهای ده‌گانه عضو اکو به جرایم سازمان‌یافته این منطقه، بستگی به نظام سیاسی، جغرافیا، نظام اقتصادی، و البته به‌طور خاص در قلمرو حقوق جنایی، بستگی به نوع سیاست جنایی اتحادی آن کشورها دارد که البته سال‌هاست که کشورهای فوق با توجه به ظرفیت و توانایی سیاست جنایی ملی خویش با پدیده جرایم سازمان‌یافته مقابله می‌نمایند. با این حال، سوال این است که آیا سیاست جنایی ملی یا داخلی کشورهای عضو اکو، در قبال جرایم سازمان‌یافته پاسخگو می‌باشد؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد چه نوع سیاست جنایی می‌تواند زمینه برخورد مناسب را به منظور جلوگیری و مبارزه با این جرایم، در این منطقه ایجاد نماید؟

### تعریف و ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته فراملی

در خصوص مفهوم جرم سازمان‌یافته، تعریفی که مورد اتفاق اکثر جرم‌شناسان و حقوقدانان جنایی واقع گردد، ارائه نشده‌است چرا که تعاریف از حیث تبیین نوع جرم، قلمرو آن، اهداف مربوط و ویژگی‌های مقوم آن با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت‌ها موجب شده است که بسیاری از نویسندگان به عدم وجود تعریفی جامع و مورد اتفاق اعتراف کنند.<sup>۳</sup> با این حال، چنان‌که اشاره گردید جرم سازمان‌یافته را می‌توان از جهات متعدد تعریف نمود. در این نوشته سعی می‌گردد علی‌رغم اختلاف نظری که بین جرم‌شناسان در شمولیت جرایم تروریستی در لیست جرایم سازمان‌یافته وجود دارد، با توجه به وضعیتی که در جغرافیای جرایم کشورهای اکو وجود دارد، از دو جهت عادی و سیاسی با تاکید بر جرایم تروریستی، مفهوم جرم سازمان‌یافته تبیین گردد.

نگاه اول دیدی است که به جرم سازمان‌یافته به صورت "عادی و غیر ایدئولوژیک" نگریسته می‌شود. بدین صورت که همانند اکثر جرایم تاکید بر تحصیل سود دارند. چنانکه در طولانی‌ترین تعریفی که مورد استناد بسیاری از جرم‌شناسان قرار گرفته است، اشاره شده است که: "جرم سازمان‌یافته اقدامی غیر ایدئولوژیک است که توسط گروهی از اشخاص انجام می‌شود که دارای تعامل اجتماعی نزدیک به هم هستند و بر اساس نظامی مبتنی بر سلسله مراتب با حداقل سه

۳. نجفی ابرندآبادی و دیگران، جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا (مدرس، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹) ص ۵۵

سطح یا طبقه سازمان‌دهی شده و برای کسب سود و قدرت به ارتکاب فعالیت‌های قانونی و غیر قانونی اقدام می‌کنند. جایگاه افراد در سلسله مراتب و موقعیت‌های کاری ممکن است براساس خویشاوندی، دوستی یا مهارت تعیین گردد. موقعیت‌ها هیچ‌گاه قائم به شخص نیستند. تمامی اعضا قصد استمرار و تداوم فعالیت‌ها را دارند و به دنبال انجام فعالیت‌های انحصاری و مناطق انحصاری نیز هستند. گروه برای تحقق اهداف و حفظ نظم در صورت لزوم به خشونت یا ارتشاء متوسل می‌شود. عضویت محدود است، گرچه گاهی گروه به عضوگیری اعضای جدید می‌پردازد. قواعد صریح نوشته و نانوشته‌ای در گروه وجود دارد که با ضمانت اجراهای مختلفی همچون قتل عضو متخلف توأم است<sup>۴</sup>، اگرچه در تعریف فوق کسب قدرت در کنار کسب سود تأکید شده است، اما با توجه به تأکیدی که بر "غیر ایدئولوژیک" بودن در صدر تعریف شده است، مفهوم کسب قدرت چنان‌که برخی از حقوقدانان در توضیح این تعریف اشاره نموده‌اند، نه برای براندازی نظام سیاسی، بلکه ماهیت مافیایی داشته و مراد از قدرت نیز، قدرت مافیایی سیاسی - اقتصادی در عین بقای نظام حکومتی است.<sup>۵</sup>

نگاه دوم که رویکردی "سیاسی و ایدئولوژیک" به مفهوم جرم سازمان‌یافته دارد، قائل بر آن است که علاوه بر قدرت سیاسی و اقتصادی نگاه اول، براندازی نظام سیاسی موجود نیز می‌تواند یکی از اهداف جرم سازمان‌یافته محسوب گردد.<sup>۶</sup> بنابراین در جایی که هدف کسب سود و قدرت است، سازمان مجرمانه در کنار حکومت و با قبول ساختار و قانون اساسی آن به ارتکاب جرم می‌پردازد و به اصطلاح نوعی همزیستی مسالمت آمیز و در عین حال مجرمانه با حکومت دارد و برای کسب منافع اقتصادی و یا قدرت سیاسی در سایه ساختار حکومتی به شیوه مجرمانه تلاش می‌کند. اما اگر هدف براندازی نظام سیاسی باشد، سازمان مجرمانه با رد ساختار حکومت، برای سرنگونی آن تلاش به عمل می‌آورد.<sup>۷</sup>

در خصوص نقش گروه‌های تروریستی در جرایم سازمان‌یافته قابل ذکر است که از این گروه‌ها ممکن است در هر دو حالت فوق استفاده صورت گیرد. بدین صورت که هم در صورت اول که جرم به هدف کسب سود اقتصادی و در مواردی کسب قدرت سیاسی انجام می‌گیرد، گروه‌های

4. Abadinsky, Howard, Organized Crime (Nelson – Hall Inc, New York, 1990) p.5.

۵. نجفی ایرندآبادی، پیشین، ص ۵۶

6. Maltz, Michael, D. On Defining Organized Crime (Crime and Delinquency 1976) p.76

7. Bassiouni, M. Cherif and Edvarado Vetere , Organized Crime, (Transnational Publishers, New York, 1998) pp. XI- Xiii

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۴۷

سازمان یافته ممکن است برای رسیدن به اهداف مذکور در صورت نیاز از گروه‌های تروریستی به عنوان اهرم فشار بر حکومت و یا برای تسهیل جابجایی کالا‌هایی که از طریق نامشروع کسب کرده - در صورت تهدید یا درگیر شدن با نیروهای امنیتی - بهره‌برد و متقابلاً امتیازاتی از قبیل تامین بودجه مورد نیاز آنان یا وساطت برای آزاد سازی نیروهای در بند آنان را برعهده بگیرد.<sup>۸</sup> هم‌چنین ممکن است بر اساس حالت دوم خود گروه تروریستی به منظور براندازی نظامی سیاسی اقدام به ارتکاب جرایم سازمان‌یافته تروریستی نمایند.

بنابراین با توجه به موارد فوق از یک طرف و ضرورت منطقه جغرافیایی اکو در شامل شدن جرایم تروریستی در قلمرو جرایم سازمان‌یافته از سوی دیگر، ایجاب می‌نماید تا جرایم تروریستی را حداقل در منطقه اکو بعنوان جرایم سازمان‌یافته محسوب نمایم.

### ویژگی‌های جرایم سازمان یافته فراملی

به موجب ماده سوم کنوانسیون بین‌المللی علیه جرم سازمان یافته فراملی، جرم سازمان یافته در صورتی فراملی است که دارای یکی از مولفه‌های زیر باشد:

الف) جرم در بیش از یک کشور واقع شده باشد، ب) جرم در یک کشور واقع شده ولی بخش اساسی تدارک، طراحی، هدایت یا کنترل آن در کشور دیگر صورت گرفته باشد، ج) جرم در یک کشور واقع شده ولی گروه مجرمانه سازمان یافته‌ای که به ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در بیش از یک کشور مشغول است، آن را مرتکب شده باشد، د) جرم در یک کشور واقع شده، ولی به صورت اساسی دارای تاثیری در کشور دیگر بوده است.

نمونه‌های فراوانی از جرایم فراملی در منطقه اکو را می‌توان ذکر نمود که با ویژگی‌های فوق تطابق نماید. به طور مثال مواد مخدر تولیدی در افغانستان از طریق دو مسیر عمده به اروپا به عنوان بازار مصرف عمده قاچاق می‌گردد. مسیر اول که به هلال طلایی موسوم است محموله مواد مخدر از طریق ایران، که به عنوان نزدیک‌ترین و سریع‌ترین پل ارتباطی محسوب می‌گردد، به ترکیه انتقال می‌یابد و از آنجا به اروپا قاچاق می‌گردد. مسیر دوم ممکن است محموله مواد مخدر تولیدی در افغانستان به پاکستان قاچاق شده و از پاکستان به ایران و از ایران به ترکیه و سپس اروپا. و یا حتی ممکن است این شبکه گسترده‌تر از منطقه اکو وجود داشته باشد. برای نمونه، یکی از شبکه‌های مجرمانه قاچاق مواد مخدر که در رومانی کشف شد، شامل مجرمانی از پاکستان،

8. Id. p. XI-XIii

آفریقای جنوبی، استرالیا، کنیا، رومانی، آلمان، ایتالیا و اسلواکی بود. این شبکه، حشیش تولید شده در پاکستان را به بندر مومباسا در کنیا ارسال می‌کردند. در آنجا به یک محموله چای منضم و از طریق بندر دورین واقع در آفریقا جنوبی به سوی حیفا ارسال شد. در حیفا محموله فوق به یک کشتی متعلق به یک شرکت کشتیرانی منتقل می‌گردید که هر پانزده روز یکبار به سوی کنستانزا در رومانی حرکت می‌کرد. از آنجا محموله توسط شرکتی اسرائیلی - رومانیایی و از طریق براتیسلاوا در سلواکی به ایتالیا حمل می‌شد. رئیس این شبکه شهروندی آلمانی اوگاندایی تبار بود. این شبکه با توقیف محموله در کنستانزا کشف گردید. در این نمونه ویژگی فراملی به وضوح مشهود است.<sup>۹</sup>

### مفهوم، مولفه‌ها و انواع سیاست جنایی

خانم می‌ری دلماس مارتی، استاد دانشگاه پاریس در اثر خود با عنوان نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، از سیاست جنایی تعریف مشخصی ارائه نموده است به عقیده وی سیاست جنایی « مجموعه روش‌هایی است که هیات اجتماع با استفاده از آن‌ها، پاسخ‌های به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد»<sup>۱۰</sup> مهم‌ترین ویژگی‌های این تعریف شامل: ۱- پاسخ‌های که علیه پدیده مجرمانه اعمال می‌شود صرفاً جزایی محض نمی‌باشد بلکه مجموعه ای از روش‌ها می‌باشد که شامل پاسخ‌های اداری، مدنی، انضباطی و اجتماعی نیز می‌گیرد. ۲- هیات اجتماع شامل دولت و جامعه مدنی می‌گردد که در کنار یکدیگر با توجه به مدل سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی را خلق می‌نمایند. ۳- پدیده مجرمانه در این دیدگاه هم شامل جرم می‌گردد و هم انحراف. چرا که هر دو پدیده نتیجه‌ی نقض یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی است، با این تفاوت که اولی نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی است که با توجه به ماهیت آن دارای ضمانت اجرای رسمی جنایی می‌گردد و دومی هم نوایی یا احترام به هنجار اجتماعی فاقد ضمانت اجرای رسمی است.<sup>۱۱</sup>

در عرصه داخلی، سیاست جنایی دارای مولفه‌ها و ارکان خاص خود می‌باشد طوری که این مولفه‌ها هماهنگ و هم‌سو با هم عمل نمایند، سیاست جنایی ملی موثر و کارآمد ظاهر خواهد شد. این ارکان شامل: ۱- سیاست جنایی تقنینی که شامل تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار در

۹. نجفی ابرنآبادی و دیگران، پیشین، ص ۶۳

۱۰. لارز، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی (ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان ۱۳۸۲)

ص ۱۵

۱۱. همان، ص ۱۶

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۴۹

خصوص پدیده‌های مجرمانه و پاسخ به آن می‌باشد. ۲- سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه‌ی استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه‌ی اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغییر بودن تفسیر قواعد حقوق جزا سرچشمه می‌گیرد. ۳- سیاست جنایی اجرایی که شامل سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه‌ی قضایی موجود است. ۴- سیاست جنایی مشارکتی یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه‌ی مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد.<sup>۱۲</sup>

در نهایت سیاست جنایی را می‌توان از لحاظ قلمرو مکانی، به سه دسته (سیاست جنایی ملی، منطقه‌ای و جهانی) تقسیم بندی نمود. سیاست جنایی ملی در چارچوب سرزمینی یک کشور قابل تصور می‌باشد بدین صورت که هر کشوری به منظور مقابله با پدیده‌های مجرمانه درون مرزی خویش، سیاست جنایی خاص خود را به تنظیم می‌نماید. نوع برخورد با پدیده‌های مجرمانه نیز بستگی به مدل سیاست جنایی دارد که هر کشور با توجه به ساختارها یا توانایی‌های آن کشور در قبال جرایم اتخاذ می‌نماید.<sup>۱۳</sup>

### سیاست جنایی ملی در قبال جرایم سازمان‌یافته

هر کدام از کشورهای عضو اکو در قبال جرایم سازمان‌یافته سیاست جنایی ملی یا داخلی خاص خود را داشته و دارند. افغانستان سال‌ها است که سیاست‌های متفاوتی را در خصوص مواد مخدر از طریق قانونگذاری‌های متفاوت، گاهی در فاصله زمانی دو ساله، اتخاذ نموده است؛ طوری که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۶ در فاصله زمانی ۱۴ سال، چهار قانون متفاوت را قانونگذاری و تجربه نموده است.<sup>۱۴</sup> هم‌چنین در خصوص جرایم تروریستی علی‌رغم اینکه بعنوان قربانی جرایم تروریستی در آسیا محسوب می‌گردد، در قبال این جرایم با یک سیاست جنایی سرگردان مواجه است. پاکستان نیز با جرایم سازمان‌یافته‌ای مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق مهاجران، قاچاق زنان و اطفال، قاچاق قطعات وسایل موتوری، پولشویی و جرایم اقتصادی سازمان‌یافته مواجه

۱۲. نجفی ایرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی (تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۴) ص ۲۵۹

۱۳. لازرژ، پیشین، ص ۵۹

۱۴. قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۲، قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۴، قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر ۱۳۸۹ و کد جدید جزایی ۱۳۹۶.

است<sup>۱۵</sup>. ایران نیز به عنوان نزدیکترین مسیر ترانزیت مواد مخدر، قربانی قاچاق مواد مخدر، هر سال گزارش‌های متفاوتی از کشف و انهدام باندهای مواد مخدر را نشر می‌نماید. بر اساس گزارشی در کنار سایر جرایم سازمان یافته در خصوص مواد مخدر، ترکیه نه تنها مسیر قاچاق مواد مخدر محسوب می‌گردد بلکه مکانی برای پروسس مواد مخدری همانند هیروین نیز محسوب می‌گردد؛ طوری که بر اساس این گزارش، جرایم مربوط به مواد مخدر از سال ۱۹۹۶ که ۴۰۶۰ جرم را شامل می‌گردید در سال ۲۰۰۳ به ۱۲۴۲۰ جرم افزایش یافته است.<sup>۱۶</sup> در کشورهای آسیای میانه نیز قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و جرایم سازمان یافته فساد اداری نیز از مهم‌ترین جرایم این کشورها محسوب می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

حال سوالی که مطرح است این است که آیا واقعاً سیاست جنایی ملی یا داخلی صرف، می‌تواند پاسخی مناسب و کافی در قبال جرایم سازمان یافته فراملی این منطقه محسوب گردد؟ پاسخ واضح است؛ اولاً بر اساس یک معادله ساده، وقتی ما با جرمی سازمان یافته فراملی مواجه هستیم، سیاست جنایی ملی صرف به هیچ عنوان به طور کامل نمی‌تواند پاسخ کافی را فراهم نماید و از سوی دیگر اگر سیاست درونی کافی می‌بود، ما حداقل شاهد توقف یا کاهش جرایم سازمان یافته در منطقه می‌بودیم. اما بر اساس آمار ارایه شده، ما شاهد افزایش روز افزون این جرایم در سطح منطقه اکو می‌باشیم.

از این جهت است که عملاً پس از جنگ جهانی دوم ما با یک چرخش در سیاست جنایی کشورها در قبال مبارزه با جرایم سازمان یافته مواجه هستیم طوری که سیاست‌های جنایی ملی تبدیل به سیاست جنایی فراملی می‌گردد.<sup>۱۸</sup> اما در منطقه اکو همچنان نقش سیاست جنایی ملی به نسبت سیاست جنایی فراملی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. یکی از مهم‌ترین عواملی که مانع شکل‌گیری یک سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای شده است عدم وجود قالبی مشخص برای سیاست جنایی مشترک می‌باشد. از این جهت شناسایی و بررسی قالبی مشخص برای شکل‌گیری سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای امری ضروری محسوب می‌گردد.

15. Pasha, Tahir Anwar, Current Problems in the Combat of Transnational Organized Crime (Pakistan Perspective). P. 147.

16. Country Factsheets, Eurasian Narcotics, Turkey 2004.

17. UNODC, An Assessment of Transnational Organized Crime in Central Asia: 2007

18. Joutsen, Matti, International Cooperation Against Transnational Organized Crime: The General Development, p. 345. ؟ نشر

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۵۱

### قالب‌های سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای

تجربه روش‌های رسیدن به الگوهای مشترک به طور کلی در قالب سه استراتژی، تلفیق و تشبیه (assimilation)، هماهنگ‌سازی (harmonization) و یکی و متحد کردن (unification) مطرح بوده و هست.<sup>۱۹</sup> هر کدام از این استراتژی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که در زمینه‌سازی همکاری‌های مشترک دولت‌ها در بعضی قلمروهای پیش‌گیری و مبارزه با جرایم، با توجه به ماهیت نظام‌های متقابل و نوع قلمرو جنایی مطرح می‌باشد. ذیلاً به بررسی هر کدام از این استراتژی و انطباق یا عدم انطباق آن با نظام جزایی کشورهای عضو اکو در اتخاذ یک الگوی مشترک در قالب سیاست جنایی در قبال پیشگیری و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، پرداخته می‌شود.

### گفتار اول: تلفیق (هماهنگ‌سازی)

آنچه که در این استراتژی مهم است، توسعه صلاحیت داخلی از طریق تلفیق منافع فراملی یا منافع مربوط با سایر دولت‌ها با منافع ملی است، همانند آنچه که کشورهای اروپایی در قبال تقلب اتخاذ نموده‌اند و در ماده ۲۰۹ معاهده ماستریخت ۱۹۹۲ نیز قید شده است که دولت‌های عضو همان تدابیری را برای مبارزه با تقلب نسبت به منافع ملی جامعه اروپا اتخاذ می‌کنند که علیه تقلب نسبت به منافع ملی خود پیش‌بینی نموده‌اند.<sup>۲۰</sup>

اما اتخاذ این استراتژی بین اعضای اکو در قبال جرایم سازمان‌یافته در ابتدا شاید شیوه‌ای مناسب به نظر آید چرا که طبیعی است که منفعت منطقه‌ای ایجاب می‌نماید تا با تمامی جرایم سازمان‌یافته مبارزه‌ای موثر و هماهنگ صورت گیرد. اما در خصوص دو پدیده مجرمانه در دو کشور برخورد بر اساس منافع ملی، ممکن است نتیجه قابل قبول بدست نیاید. بدین‌صورت که مساله تروریسم در پاکستان و مواد مخدر در افغانستان، نه تنها در تضاد با منافع ملی این دو کشور ممکن است نباشد بلکه شاید به‌عنوان ابزاری در راستای منافع ملی این کشورها محسوب گردد. افغانستان به‌عنوان عمق استراتژیک پاکستان در معادلات منطقه محسوب می‌گردد و گروه‌های تروریستی نیز ابزاری برای تطبیق این سیاست در افغانستان محسوب می‌گردد. از این جهت بعید

۱۹. دلماس مارتی، میری به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی، ترجمه دکتر نجفی ابرآبادی، علی حسین، مجله حقوق دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۱، سال ۱۳۷۶، ص ۱۸۱ و بعد.

۲۰. دلماس مارتی، می‌ری (درج نظرو ترجیح وی در اینجا مناسب تر است؟) به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله حقوقی، شماره بیست و یکم) ص ۱۹۱.

به نظر می‌رسد که پاکستان این ابزار را به سادگی کنار نهد. به طور تاریخی، نقش مهم پاکستان در بی‌ثباتی افغانستان به دلیل نفوذ قدرت‌های رقیب و تنش‌های قومی و منطقه‌ای غیر قابل انکار است. اجرای طرح عمق استراتژیک و مساله پشتون‌ها بیانگر منافع حیاتی پاکستان با هدف نفوذ و پیش‌برد جنگ نیابتی در افغانستان است. نه تنها نهادهای امنیتی پاکستان، پیگیری و اجرای سیاست عمق استراتژیک را دنبال می‌نمایند، بلکه خواهان نفوذ در افغانستان برای مقابله با تهدید هند و جلوگیری از محاصره شدن از طریق خاک افغانستان هستند.

طرح استقرار حکومت پشتون به رهبری طالبان برای مقابله با نفوذ هند و سرکوب جنبش‌های جدایی طلب در مناطق شمال غرب هم‌مرز با افغانستان طراحی شده بود. مناطق شمال غرب پشتون نشین پاکستان پایگاهی برای سازمان‌دهی، تدارک، رهبری، آموزش شورشیان شبکه حقانی و لشکر طیبه برای اجرای عملیات در سراسر افغانستان است. مهم‌ترین نهاد امنیتی پاکستان با استقرار رهبران گروه‌های شورشی در مناطق شمال هم‌مرز با افغانستان در تعقیب برنامه‌های بلند مدت برای کنترل فعالیت‌های شورشیان و اقدامات هدفمندانه آن‌ها در راستای پیشبرد سیاست‌های پاکستان بوده است.<sup>۲۱</sup>

در خصوص مواد مخدر در افغانستان نیز از جهت ارکان سیاست جنایی آیا تلفیق بر اساس منافع امکان پذیر است؟ به عبارت دیگر دانستیم که سیاست جنایی مرکب از دو رکن مهم جامعه مدنی و دولت می‌باشد که منضمماً بدنه هیات اجتماع جامعه را تشکیل می‌دهند. حال آیا هر دو رکن (جامعه مدنی و دولت) کشورهای عضو اکو می‌توانند بر اساس منافع مشترک در قبال مواد مخدر به یک سیاست مشترک نائل آیند؟ به نظر می‌رسد که این سوال قابل تامل است، چرا که امحای کامل مواد مخدر اولین و مهم‌ترین خواسته ارکان سیاست جنایی کشورهای عضو به جز افغانستان در راستای منافع ملی این کشور محسوب می‌گردد. اما آیا آن بخش گسترده‌ای از جامعه به خصوص کشاورزان و برخی از مقامات رسمی دولت افغانستان نیز منافع خویش را در امحای کامل مزارع کشت مواد مخدر می‌دانند؟ آن هم مزارع گسترده در سطح ۱۹۳۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۷ و ۱۵۷۰۰۰ هکتار در ۲۰۰۸<sup>۲۲</sup> بر اساس مصاحبه آقای الکساندر اشमित معاون ریس دفتر مواد مخدر و جنایت در افغانستان در تاریخ ۸ جوزا ۱۳۸۴، حدود ۴ میلیون نفر در این کشور

۲۱. رفیع، حسین؛ بختیاری جامی، محسن، چالشهای صلح در افغانستان (مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۸۸، ص ۴۵).

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۵۳

درگیر تجارت مواد مخدر هستند.<sup>۲۳</sup> از سوی دیگر تحریم‌ها و تدابیری همانند کشت جایگزین که از سوی دولت و سایر نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با مواد مخدر بعد از روی کار آمدن دولت جدید آقای کرزی در طول تقریباً این ۹ سال اتخاذ شده است، آمار هم‌چنان حکایت از ناکارآمدی سیاست امحای کامل و یا کشت جایگزین در این کشور دارد. به‌همین جهت است که از سوی زارعین تقاضای قانونی شدن کشت مواد مخدر مطرح شده است. این تقاضا نه تنها برای زارعین مهم پنداشته می‌شود بلکه ممکن است در بین مقامات سیاسی این کشور نیز طرفدارانی داشته باشد؛ به‌خصوص با توجه به اینکه طبق گزارشات همواره از دست داشتن مقامات رسمی در تجارت مواد مخدر یاد شده است.<sup>۲۴</sup> علاوه بر مقامات رسمی در سطح کلان از نقش مقامات رسمی محلی نیز غافل نباید شد، به طوری که این گروه نیز علاوه بر نفع اقتصادی به نوعی برای کسب مقام‌های سیاسی محلی خصوصاً از طریق انتخابات محلی ناگزیر از حمایت کشاورزان محلی خود در امر تولید تریاک می‌باشند. بنابراین به راحتی نوعی معادله بر اساس منافع طرفین صورت می‌گیرد، کشاورزان به کسانی رای می‌دهند که در قبال کشت مواد مخدر حساسیتی نداشته باشند و از طرف دیگر مقامات انتخاب شده نیز برای ادامه روند انتخابی ناگزیر به عملی نمودن تعهدات خویش می‌باشند.<sup>۲۵</sup> چنانکه مشاهده گردید در واقع بازیگران اصلی عرصه تولید مواد مخدر در افغانستان دو گروه می‌باشند، نخست، کشاورزان که به دلایل مختلف از جمله نفع اقتصادی اقدام به کشت تریاک می‌کنند و گروه دوم که شامل قاچاقچیان مواد مخدر و مقامات رسمی فاسد می‌باشند که نقش مهمی در بالا بردن سطح تولید تریاک به لحاظ سود سرشاری که نصیب اینان می‌گردد در افغانستان دارند. اکنون با توجه به تضاد آشکاری که در بخش قابل توجهی از عناصر تشکیل دهنده ارکان سیاست جنایی دو کشور در اتخاذ الگوی مشترک بر اساس رویکرد منافع مشترک در قبال مبارزه با مواد مخدر احساس می‌گردد، موفقیت این روش در این راستا عملی نخواهد بود.

صرف نظر از موارد فوق که در ادامه سیاست جرم‌انگاری مواد مخدر در افغانستان می‌باشد، اتخاذ سیاست قانونمندسازی زرع، پروسس و استفاده مواد مخدر نیز می‌تواند در راستای منافع ملی این کشور مفید و مؤثر محسوب گردد. این رویکرد، نه تنها از لحاظ جرم‌شناسی مورد تایید برخی از جرم‌شناسان می‌باشد بلکه بر اساس منافع ملی در افغانستان چنانچه به‌طور صحیح آن

۲۳. رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر، (چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶) ص ۱۲۷

۲۴. David, J., ۲۰۰۸, ۱۲ P - کامل نوشته شود

۲۵. منسفلید، دیوید، ۲۰۰۸، ص ۱۶ کامل نوشته شود.

طرح و اجرا گردد، می‌تواند به‌عنوان مصدق‌ای از منافع ملی در این کشور محسوب گردد. اما این راه‌حل تا زمانی که تعدیلی در ماده ۶ قانون اساسی صورت نگیرد، قابل اجرا نمی‌باشد.

### گفتار دوم: یکسان‌سازی (ایجاد وحدت)

بر اساس این استراتژی مجموعه‌ای از مقررات حقوقی در حوزه جغرافیایی مشخص تدوین می‌گردد که مبتنی بر قواعد و اصول راهبردی حقوق جنایی همانند، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل مجرمیت یا تقصیر به‌عنوان اساس مسئولیت و اصل تناسب بین شدت مجازات‌ها و خطرناکی جرم، می‌باشد.<sup>۲۶</sup> این استراتژی در عمل فقط هنگامی قابل اجرا است که وحدت تفاسیر از قواعد، همان‌طور که در قضیه پینوشه و در بسیاری از قضایای دیگر نیز مشهود است، توسط دادگستری واحد تضمین گردد.<sup>۲۷</sup> در مورد جرایم بین‌المللی با تاسیس دیوان بین‌المللی جنایی قطعاً می‌توان گفت قواعد چه از نظر تعریف و چه از نظر اعمال آن‌ها یگانه سازی شده است. اگرچه هنوز چالش‌های فرا روی این دیوان از سوی کشورهای مخالف و کشورهای که هنوز به دیوان نپیوسته‌اند، وجود دارد.<sup>۲۸</sup> اما به‌طور کلی یگانه سازی در عرصه بین‌المللی حول محور جرایم بین‌المللی در حال تکامل می‌باشد. اما آیا امکان یگانه سازی مقررات بین کشورهای عضو بر سر موضوع جرایم سازمان یافته عملی است؟ به خصوص مبتنی بر اصول راهبردی سه‌گانه حقوق جنایی، اصل قانونی بودن جرایم و جزاها، اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر و اصل تناسب جرایم و جزاها. در خصوص تطبیق این رویکرد با وضعیت منطقه اکو، به نظر می‌رسد که در تطبیق دو اصل جرم انگاری و تناسب جرایم و مجازات، جرایم سازمان یافته بر اساس نظام‌های جزایی کشورهای عضو با تفاوت و چالش‌های اساسی مواجه خواهیم شد. با نگاهی به قوانین و مقررات ملی کشورهای عضو اکو، چنین قابل استنباط است که اولاً تمام کشورها از جهت جرم انگاری جرایم سازمان یافته وضعیت مشابه ندارند. بدین صورت که در خصوص مصداق‌های جرایم سازمان یافته جرم انگاری یکسانی بین کشورهای عضو وجود ندارد. حتی در برخی از قوانین جزایی فصلی تحت عنوان جرایم سازمان یافته نمی‌توان یافت بلکه به‌طور پراکنده مصداق‌هایی از جرایم سازمان یافته مشاهده می‌گردد.

از طرف دیگر در خصوص اصل تناسب علی‌رغم شباهت‌های نظام‌های جنایی، نمی‌توان

۲۶. دل‌ماس مارتی، می‌ری، حقوق جزای مشترک اروپایی، پیشین، ص ۱۹۹

۲۷. همان، ص ۱۲۱

۲۸. بیگ زاده، ۱۳۸۲ - مکمل نوشته شود

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۵۵

واکنش جزایی یکسانی را در بین این نظام‌های جزایی شاهد بود. به‌طور مثال اگر صرفاً به جرم قاچاق مواد مخدر و آن‌هم بین دو کشور افغانستان و ایران داشته باشیم، دو کشور در خصوص جرایم مواد مخدر که در گذشته با آن اشاره گردید، مشخص می‌گردد که هر دو کشور سابقه دیرینه در جرم انگاری و تدوین قواعد بر اساس دو اصل نخست قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد از جهت مطابقت مقررات دو کشور بر اساس اصل قانونی بودن جرایم و مجازات و اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر، اشکال اساسی به‌منظور دست‌یابی به یک سیاست جنایی واحد در قلمرو جرایم مواد مخدر، وجود نداشته باشد. اما آنچه که باعث گسست این دو نظام جنایی به‌منظور اتخاذ یک سیاست جنایی واحد در قالب استراتژی یکسان‌سازی مقررات مواد مخدر می‌گردد، تفاوت آشکار این دو نظام جنایی در قبال اعمال اصل تناسب جرایم و مجازات مربوط به این قلمرو جزایی می‌گردد. این تفاوتی است عمیق که البته مبتنی بر ملاحظات و مصالح ملی این دو نظام است؛ اما این سطح تفاوت می‌تواند به عنوان مانع مهمی در گرایش به سوی روی‌کرد یکسان‌سازی، به‌نظر رسد. علی‌رغم نقاط اشتراک بنیادین دو نظام جنایی از جهت اینکه هر دو نظام جنایی جزء یک خانواده کلان حقوقی یعنی نظام رومی ژرمن هستند و هر دو مبتنی بر فقه به‌خصوص در رابطه با نظام جزایی هستند. اما به لحاظ تفاوت در نوع نگاه نسبت به مجازات جرایم مواد مخدر و مبتنی نمودن این مجازات بر اساس معیارهای فقهی و مصالح اجتماعی، تفاوت آشکاری را بین این دو نظام در این قلمرو ایجاد نموده است. بدین‌گونه که واکنش جامعه در قبال پدیده مجرمانه مواد مخدر در ایران به دو صورت مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد که مجازات نیز به مجازات اصلی (شامل اعدام، حبس، جزای نقدی، شلاق، مصادره اموال، لغو موافقت اصولی و پروانه کسب و محرومیت از حق انتخاب شدن)، تبعی (شامل محرومیت از حقوق اجتماعی) و تکمیلی (شامل انفصال از خدمت) تقسیم شده‌اند.<sup>۲۹</sup> گزینش نوع مجازات نیز بر اساس نوع و میزان مواد مخدر، دفعه انجام، نوع عمل ارتكابی و شخصیت مرتکب و سایر ملاحظات قانونی، قابل اعمال دانسته شده است.<sup>۳۰</sup>

واکنش اجتماع در نظام جزایی افغانستان نیز بر پایه مجازات و اقدامات امنیتی قابل تقسیم است، که مجازات نیز شامل مجازات اصلی (حبس)، مجازات تبعی (محرومیت از حقوق

۲۹. رحمدل، منصور، پیشین، ص ۴۹

۳۰. رجوع کنید به مواد ۲، ۷ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر ایران.

اجتماعی) و جزاهای تکمیلی (محرومیت از بعضی حقوق و امتیازات، مصادره و نشر حکم<sup>۳۱</sup>)، می باشد. گزینش نوع مجازات در اینجا نیز بر اساس نوع و میزان مواد مخدر، دفعه انجام، نوع عمل ارتكابی و شخصیت مرتکب و سایر ملاحظات قانونی، متفاوت دانسته شده است.<sup>۳۲</sup> ذیلاً به برخی از مهم ترین تفاوت های این دو نظام جزایی در راستای اعمال اصل تناسب جرایم و جزاها مربوط به مواد مخدر اشاره می گردد:

۱. صرف نظر از مجازات تبعی و تکمیلی، نوع و تعداد مجازات اصلی، مهم ترین تفاوت این دو نظام جزایی محسوب می گردد. مطابق با قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه قانون اصلاحی ۱۳۸۹ ایران، صرف نظر از موارد اختلافی مجازات اصلی در بین حقوق دانان، چهار جزا (اعدام، حبس، شلاق و محکومیت های مالی به صورت جریمه نقدی، ضبط و مصادره اموال) به عنوان مهم ترین جزاهای اصلی محسوب می گردد. حال آنکه مطابق با قانون جدید مبارزه با مواد مخدر افغانستان تنها (حبس)، تشکیل دهنده جزای اصلی می باشد.
۲. چنان که ملاحظه گردید، اعدام، شلاق و جزای نقدی از مصادیق تفاوت این دو نظام می باشد. مطابق با قانون اصلاحی مواد مخدر و اصلاحیه جدید ایران، اعدام نه تنها یکی از مجازات اصلی محسوب می گردد بلکه حتی در صورت عدم وجود جهات تشدید نیز قابل اعمال است. چنانچه بند ۶ ماده ۸ این قانون صرفاً داشتن سی گرام هیروین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات آنان را مستوجب مجازات اعدام دانسته است. در حالی که مطابق با قانون مبارزه با مواد مخدر افغانستان، اعدام نه تنها جزء مجازات اصلی نمی باشد، بلکه تنها در یک مورد که از مصادیق حالات تشدید محسوب می گردد آن هم صرفاً با توجه به شخصیت مرتکب قابل اعمال دانسته شده است. بنابراین تنها بند ۴ ماده ۱۴۸ قابل اعمال بر روی مرتکبین به جرایم مواد مخدر می باشد که بر اساس ماده بعدی در صورتی که مجازات آنان حبس دوام باشد به اعدام تبدیل می گردد.

در رابطه با مجازات حبس نیز تفاوت قابل توجهی بین این دو نظام جزایی مشاهده می گردد. در قانون ایران ضمن اینکه قانونگذار از دوروش تعیین (حداقل و حداکثر) و (ثابت) تا سقف بیست و پنج سال<sup>۳۳</sup> را مد نظر قرار داده است برعلاوه حبس ابد را نیز در مواردی به عنوان جانشین مجازات

۳۱. ماده ۹۷ الی ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی افغانستان.

۳۲. رجوع کنید به ماده ۴۲ قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر افغانستان.

۳۳. تبصره ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ایران

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۵۷

اعدام در نظر گرفته است.<sup>۳۴</sup> اما رویه قانونگذار افغانستان بدین‌گونه است که ضمن استفاده از روش حداقل و حداکثر، مجازات ثابت را هم در نظر گرفته است که سقف آن حداکثر تا بیست سال محسوب می‌گردد؛<sup>۳۵</sup> و بالاخره مهم‌تر اینکه حد اکثر میزان حبس مطابق با این قانون حبس دوام می‌باشد که بر اساس بند ۲ ماده ۹۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، میزان مجازات حبس دوام که بالاترین میزان حبس در این قانون می‌باشد از ۱۶ تا ۲۰ سال می‌باشد. بنابراین مرتکبین جرایم مواد مخدر مشمول حبس ابد نمی‌گردند.

مجازات نقدی نیز در قوانین رایج فعلی دو کشور متفاوت می‌باشد، در ایران همچنان در کنار سایر جزای اصلی از جزای نقدی نیز برای مرتکبین جرایم مواد مخدر استفاده می‌شود. اما بر اساس قانون جدید مبارزه با مواد مخدر افغانستان (۱۳۸۹) جزای نقدی از لیست مجازات اصلی در نظر گرفته شده برای مرتکبین مواد مخدر، حذف گردیده است؛ این در حالی است که بر اساس قانون ۱۳۸۴ جزای نقدی در کنار حبس وجود داشت اما به دلایل اقتصادی و مشکلات عملی این جزا در قانون فعلی حذف گردیده است.

تفاوت در سطح حساسیتی که هر دو نظام در نوع و میزان مواد مخدر دارند نیز قابل ذکر است، به‌طور مثال مطابق با بند ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ایران، کشف بیش از سی گرم هیرویین، مرفین، کوکائین و سایر مشتقات آنان در اعمال ارتكابی مصداق این ماده مشمول اعدام دانسته شده است.

و بر اساس جزء ۴ ماده ۴، به‌طور مثال در مورد تریاک مقدار بیش از پنج کیلوگرام را مشمول مجازات اعدام دانسته است. حال آنکه، بر اساس ماده ۱۶ قانون مبارزه علیه مواد مخدر افغانستان، در رابطه با اعمال ارتكابی مشمول قاچاق هیرویین، مرفین، کوکائین و مشتقات آنان، هرگاه مقدار مواد بیشتر از پنج کیلوگرام باشد، به حبس دوام [تا بیست سال] و جزای نقدی بیش‌تر از یک میلیون الی ده میلیون افغانی محکومیت دارد؛ و در مورد تریاک، هرگاه مقدار مواد بیش‌تر از پنجاه کیلوگرام باشد به حبس دوام [تا بیست سال] و جزای نقدی بیش‌تر از یک میلیون و پنج صد هزار الی پنج میلیون افغانی، محکوم خواهد شد.

در رابطه با قواعد تشدید در صورت تکرار جرم نیز، بر اساس ماده ۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ایران، در موارد مذکور در این ماده ممکن است ضمن احراز شرایط مدنظر نهایتاً

۳۴. تبصره ماده ۴ همان قانون

۳۵. بند ۶ ماده ۱۲ قانون مبارزه علیه مواد مخدر افغانستان

به مجازات اعدام منجر گردد. اما بر اساس ماده ۲۹ قانون مبارزه علیه مواد مخدر افغانستان، به حداکثر مجازات پیش‌بینی شده این قانون محکوم می‌گردد. که علاوه بر جزای نقدی و مصادره، حبس تا بیست سال خواهد بود.

بنابراین با توجه با تفاوت‌های آشکار فوق‌الذکر هر دو نظام جزایی در برقراری اصل تناسب جرایم و مجازات نسبت به قلمرو قواعد جرایم مواد مخدر، که از یک سو مبتنی بر رویکرد فقهی و مصالح اجتماعی، و از سوی دیگر به لحاظ ماهیت جزایی این قواعد که ارتباط تنگاتنگی با اصل اعمال حاکمیت قواعد جزایی در چارچوب سرزمینی دو نظام دارد، اندیشه سیاست جنایی مشترک در قالب رویکرد یکسان سازی این قواعد را با مشکلات جدی روبرو خواهد نمود.

### گفتار سوم: هماهنگ‌سازی

مراد از هماهنگ‌سازی این است که، مقررات ملی (داخلی) دولت‌ها نسبت به یک‌دیگر متفاوت باقی می‌مانند، لیکن تلاش می‌شود که این مقررات آن گونه به هم نزدیک شوند که با هم سازگار شوند.<sup>۳۶</sup> بنابراین در این شیوه دیگر نگرانی عدم تطابق مقررات داخلی را نداریم بلکه بر عکس سعی در این است که در عین حفظ مقررات ملی در داخل، این مقررات در عرصه فراسرزمینی نیز نوعی سازگاری داشته باشند. به‌خصوص این ضرورت زمانی بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد که نیاز به یک همکاری در سطح گسترده بر سر یک موضوع واحد وجود داشته باشد. به‌طور مثال در همین بحث حاضر، از یک سو ضرورت اقتضا می‌کند که برای پیش‌گیری و مبارزه موثر با جرایم مواد مخدر در این منطقه همکاری در سطح کلان بین کشورها به‌خصوص بین ایران و افغانستان صورت گیرد، و از سوی دیگر اعمال حق حاکمیت کشورها در خصوص قواعد جزایی حفظ گردد. به‌نظر می‌رسد که رویکرد هماهنگ سازی شیوه‌ای مناسب برای حصول به این مقصود باشد. چرا که با توجه به اهمیت ژئوپولیتیکی منطقه از لحاظ تولید و ترانزیت مواد مخدر، بیش از پیش نیاز به یک سیاست کلان منطقه‌ای احساس می‌شود. تا به حال بیش‌ترین سطح همکاری‌های صورت گرفته منطقه‌ای در خصوص مبارزه با مواد مخدر خلاصه می‌شده است در قالب کمیته مواد مخدر سازمان کاملاً اقتصادی آکو که هدف اصلی آن بر اساس عهدنامه از میر عبارت است از تشریک مساعی کشورها بر ایجاد اقتصاد پایدار و رفاه اجتماعی<sup>۳۷</sup> و یا اینکه در قالب موافقت

۳۶. دلماس مارتی، می‌ری، به سوی حقوق جزای مشترک، پیشین، ص ۱۹۳  
۳۷. ساکی، محمد رضا، جرایم مواد مخدر، (چاپ دوم، ظهور، تهران، ۱۳۸۶) ص ۳۵۱

چارچوب سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای در قبال جرایم سازمان‌یافته اکو/ ۲۵۹

نامه‌های امنیتی، و مرزداری و استرداد مجرمین ایجاد شده است<sup>۳۸</sup>، چنان‌که در آخرین کوشش همکاری بین ایران و افغانستان اخیراً لایحه‌ای با عنوان لایحه موافقت نامه همکاری‌های بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی افغانستان در عرصه مبارزه با مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته و تروریسم مطرح شده است که بر اساس نظر کارشناسی مجلس شورای اسلامی ایران بیش‌تر ماهیت امنیتی و اطلاعاتی دارد تا یک موافقت نامه حقوقی.<sup>۳۹</sup> بنابراین به نظر می‌رسد که اتخاذ رویکرد هماهنگ‌سازی در قالب سیاست جنایی منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری و مبارزه با این پدیده محسوب گردد. به‌خصوص با توجه به ظرفیت‌های مشترک ذیل در بین دو نظام که امکان عملی شدن آن‌را بیش‌تر می‌سازد.

وجود زمینه‌های بنیادین حقوقی مشترک در هر دو نظام، همانند اشتراک هر دو نظام در تبعیت از یک خانواده کلان حقوقی مبتنی بر سیستم رومی ژرمن، و در عین حال ماهیت اسلامی و مبتنی بودن نظام حقوقی بر اساس فقه به‌خصوص در قلمرو قواعد جنایی، چنان‌که در ماده اول قانون جزا افغانستان اشاره شده است: این قانون جرایم و جزایهای تعزیری را تنظیم می‌نماید.

ماهیت تعزیری و بازدارنده قواعد و مقررات جرایم مواد مخدر در هر دو نظام، بر اساس ویژگی انعطاف‌پذیری این مقررات بر اساس منافع و مصالح اجتماعی امکان تجدید نظر در این گونه مقررات را فراهم می‌نماید. هر دو کشور به کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸ ملحق شده‌اند، لذا با توجه به مقررات این دو نظام که مفاد کنوانسیون‌ها را در حکم قانون دانسته و دولت‌ها را مکلف به اجرای آن نموده‌اند، همین کنوانسیون می‌تواند به عنوان منشوری در راستای هماهنگ‌سازی هر چه بیش‌تر سیاست جنایی مشترک هر دو نظام محسوب گردد. ضمن اینکه هدف کنوانسیون نیز بسط همکاری بین اعضا به شیوه‌ای هماهنگ با اصول تساوی حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر می‌باشد (ماده ۲ کنوانسیون).

صرف نظر از روش‌های سنتی همکاری‌های دولتی در قالب استرداد مجرمین، معاضدت قضایی و نیابت قضایی که در این کنوانسیون از آن‌ها یاد شده است، کنوانسیون شیوه حمل تحت نظارت را نیز پیشنهاد نموده است<sup>۴۰</sup> که البته تا قبل از اصلاحات اخیر در هر دو کشور مورد توجه قرار نگرفته بود اما خوشبختانه در اصلاحیه قانون اصلاحی مواد مخدر ۱۳۸۹ در ایران و در ماده

۳۸. به منظور مشاهده این قراردادها رجوع کنید، ساکی، محمد رضا، جرایم مواد مخدر، ص ۳۶۱

39. majlis.ir (8/10/1388)

۴۰. ماده ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸

۴۳ صریحاً به این موضوع اشاره شده است: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چارچوب موافقت نامه‌های قانونی دویا چند جانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌ها با مشارکت مامورین دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمین موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله‌های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور، محموله‌های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل یا قاضی که او تعیین می‌کند تسلیم نماید. هر گونه تغییر در طرح عملیاتی مذکور در حین اجرا با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلا مانع است.»

در قانون جدید مبارزه با مواد مخدر افغانستان نیز به این امر صراحتاً اشاره شده است. بر اساس جزء ۱ ماده ۲۳ این قانون «پلیس می‌تواند فعالیت‌های کشفی مخفی استخباراتی را در جریان کشف و تحقیق مطابق احکام قانون غرض جمع‌آوری اسناد، مدارک و سایر معلومات ضروری که شامل موارد ذیل می‌شود، انجام دهد.» و بر اساس بند ۴ همین ماده «تحويل دهی و انتقال تحت کنترل مواد مخدر طبق مقرره مربوط به اساس توافق رسمی و تحریری مراجع ذی‌صلاح کشورهای تحويل دهنده و تحويل گیرنده و یا موافقت نامه‌های بین‌المللی که افغانستان به آن الحاق نموده باشد.» در جزء ۴ ماده ۵ نیز قانونگذار اقدام به تعریف اصلاح انتقال کنترل شده، نموده است: «اجازه دادن به انتقال و عبور و مرور محموله‌های غیر قانونی یا مشکوک شامل مواد مخدر، مواد اولیه، تجهیزات، لابراتوارها و سایر اقلام ذی‌دخل در آن، با آگاهی و تحت نظارت مراجع ذی‌صلاح عدلی و قضایی به مقصد جمع‌آوری مدارک و شناسایی اشخاص مظنون قاچاق مواد مخدر از قلمرو افغانستان به قلمرو یک یا چند کشور دیگر مطابق مقرره خاص می‌باشد.»

تاسیس انتقال تحت کنترل، یکی از موثرترین ابزارهای و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فرا سرزمینی محسوب گردد. که خوشبختانه در اصلاحیه قانون اصلاحی ایران و قانون جدید افغانستان در خصوص مبارزه با مواد مخدر به آن اشاره شده است.

بنابراین با توجه به ویژگی‌های منعطف رویکرد هماهنگ‌سازی، اتخاذ آن به عنوان شیوه‌ای موثر در شکل‌گیری همکاری دو کشور در قالب سیاست جنایی منطقه‌ای به منظور پیش‌گیری و مبارزه با جرایم مواد مخدر، می‌تواند گامی مفید تلقی گردد.

## نتیجه‌گیری

۱. در منطقه جغرافیایی موسوم به کشورهای اکو، انواع جرایم سازمان‌یافته همانند جرایم قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق اشیای عتیقه، قاچاق کالای صحت محور، قاچاق سلاح، تروریسم، جرایم فساد اداری و جرایم اقتصادی همانند تطهیر پول و غیره در سطح وسیعی در حال تحقق می‌باشد.
۲. سیاست جنایی صرف ملی هرچند که توأم با صرف هزینه‌های هنگفتی نیز صورت گرفته باشد؛ نمی‌تواند پاسخ مناسبی در قبال جرایم سازمان‌یافته فراملی محسوب گردد؛ چرا که وقتی جرم سازمان‌یافته فراملی است، سیاست جنایی ملی صرف، نمی‌تواند در این خصوص پاسخگو باشد. از این جهت نیاز به یک سیاست جنایی فراملی می‌باشد.
۳. محققین برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته سه قالب خاص را برای سیاست جنایی مشترک پیشنهاد نموده‌اند. رویکرد وحدت بر اساس اصول مسلم سه گانه حقوق جزا، رویکرد هماهنگ‌سازی بر مبنای تلفیق منافع ملی با منافع فراملی و در نهایت هماهنگ‌سازی.
۴. با توجه به اقدامات کشورهای اکو، آنچه که در حال حاضر بعنوان چارچوب همکاری کشورهای عضو اکو در قبال جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌گردد، رویکرد سوم یعنی هماهنگ‌سازی می‌باشد.
۵. اگرچه رویکرد هماهنگ‌سازی بستر و شروع مناسبی بین اعضای اکو در قبال جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌گردد، اما با توجه به تنوع و گستردگی جرایم سازمان‌یافته این منطقه، توقف در این رویکرد نیز نمی‌تواند بستری مناسب برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته محسوب شود. از این جهت تغییر در این رویکرد امری ضروری محسوب می‌گردد.
۶. به‌عنوان پیشنهاد، اتخاذ رویکرد گزینشی می‌تواند بدیل مناسبی برای سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای محسوب گردد. بدین صورت که اگرچه نمی‌توان در خصوص تمام جرایم در بین ده کشور اکو نوعی قالب یا رویکرد واحدی را ایجاد نمود اما شاید بتوان از روش حداقلی، نوعی تغییر در این وضعیت ایجاد نمود. بدین صورت که با توجه به نوع هر یک از جرایم سازمان‌یافته این منطقه، دو یا چند کشور را به طرف رویکردی کارآمدتر هدایت داد.